



انتشارات توس

«۵۶۱»

سیمون دوبوووار

جنس دوم

جلد اول
حقایق و اسطوره‌ها

ترجمه
قاسم صنعوی

نمایه مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۳	یادداشت نویسنده
۱۵	پیشگفتار

قسمت اول: سرنوشت

۳۹	فصل اول: داده‌های زیست‌شناسی
۸۱	فصل دوم: نظرگاه روانکاوی
۹۹	فصل سوم: نظرگاه ماتریالیسم تاریخی

قسمت دوم: تاریخ

۱۱۱ ۰۱
۱۱۷ ۰۲
۱۳۷ ۰۳
۱۵۸ ۰۴
۱۸۷ ۰۵

قسمت سوم: اسطوره

۲۳۵	فصل اول.
۳۰۹	فصل دوم.
۳۰۹	۰۱ مونترلان یا نان بیزاری
۳۴۰	۰۲ دی.اچ. لاورنس یا غرور اهلیلی
۳۵۲	۰۳ کلودل و خدمتگزار خداوندگار
۳۶۳	۰۴ برتون یا شعر
۳۷۲	۰۵ استان‌دال یا رمانتیسیم واقعیت
۳۸۶	۰۶
۳۹۳	فصل سوم
۴۰۷	یادداشت‌ها

نمایه مطالب

دیباچه ۹

قسمت اول: شکل گیری

- فصل ۱: کودکی ۱۳
فصل ۲: دختر جوان ۹۳
فصل ۳: آشنایی جنسی ۱۵۳
فصل ۴: زن همجنس باز ۱۹۹

قسمت دوم: موقعیت

- فصل ۵: زن شوهر دار ۲۲۹
فصل ۶: مادر ۳۴۳
فصل ۷: زندگی اجتماعی ۴۰۷
فصل ۸: فاحشگان و روسپیان ۴۴۷
فصل ۹: از بلوغ تا پیری ۴۷۵
فصل ۱۰: موقعیت و ویژگی زن ۵۰۳

قسمت سوم: توجیه‌ها

- فصل ۱۰: زن نارسیسیست ۵۴۵
فصل ۱۱: زن عاشق ۵۶۷

فصل ۱۲: زن عارف ۶۰۵

قسمت چهارم: به سوی رهایی

فصل ۱۳: زن مستقل ۶۱۹

نتیجه ۶۶۵

جنس دوم از زبان سیمون دوبووار ۶۸۷

یادداشت‌ها ۶۹۹

فصل اول

داده‌های زیست‌شناسی

زن؟ هواداران فرمول‌های ساده می‌گویند که زن چیزی بسیار ساده است: رحم، تخمدان؛ موجودی ماده: همین کلمه برای تعریفش کافی است. صفت ماده در دهان مرد، طنینی دشنام‌گونه دارد؛ ولی مرد از ویژگی حیوانی خود شرمناک نیست، حتی به عکس، اگر درباره‌اش گفته شود که «او نر است!» احساس غرور می‌کند. کلمه «ماده» معنایی نا مساعد دارد، اما نه از آن رو که زن را ریشه‌وار در دل طبیعت می‌نشانند، بلکه به این سبب که او را در جنسیت خود محدود می‌کند؛ و اگر این جنس، حتی در وجود حیوانات بی‌گناه و معصوم نیز، در نظر مرد قابل تحقیر و حتی دشمن جلوه‌گر می‌شود قطعاً به دلیل احساس مخاصمت‌آلودی است که زن در او برمی‌انگیزد؛ با این همه، مرد بر آن است که برای توجیه این احساس، در زیست‌شناسی توجیهی بیابد. کلمه ماده، انبوهی از تصاویر در او پدید می‌آورد: تخمک مدور بزرگی، اسپرما توژئید فعال را می‌بلعد و بی‌اثر می‌کند؛ ملکه پرواری و گول‌آسای موریانه‌ها که بر نرهای به بردگی گرفته شده حکمروایی دارد؛ آخوندک و عنکبوت اشباع شده از عشق‌ورزی، یار خود را خرد می‌کنند و می‌بلعد؛ ماده سگ فصل، کوچه به کوچه می‌دود و رگه‌ای از بوهای گندش را به دنبال می‌کشد؛ ماده میمون

نشده‌اند، شته‌های ماده پدید می‌آورند. تولید مثل مصنوعی و بدون دخالت نر، در مورد جوجه تیغی دریایی، ستاره دریایی و قورباغه صورت گرفته است. با این همه، در میان موجودات تک سلولی دیده می‌شود که دو سلول با هم یکی شوند و چیزی را که به تخم باور شده موسوم است، پدید آورند. برای این که تخم‌های زنبور عسل، زنبور ماده تولید کنند و تخم‌های شته، شته نر پدید بیاورند، عمل باروری ضروری است. بعضی زیست‌شناسان از این امر چنین نتیجه گرفته‌اند که حتی در میان انواعی که به نحوی یک جانبه قادرند به دوام ادامه دهند، نوکردن تخمه از طریق آمیزش کروموزوم‌های بیگانه برای جوان کردن تخمه و قوت تبار، امری ضروری است؛ به این ترتیب می‌توان چنین اندیشید که در پیچیده‌ترین شکل‌های زندگی، ویژگی جنسی، سهم لازم را دارد؛ تنها اورگانسیم‌های ابتدایی می‌توانند بدون جنسیت تکثیر پذیرند، و ضمناً به این ترتیب، نیروی حیاتی خود را نیز تحلیل می‌برند. اما این فرضیه امروزه یکی از ساختگی‌ترین نظریه‌ها است؛ ناظران ثابت کرده‌اند که تکثیر بدون دخالت نر، ابدالدهر می‌تواند ادامه یابد بی آن که هیچ‌گونه انحطاطی دیده شود؛ این امر به خصوص در مورد باسیل‌ها مشاهده می‌شود؛ تجربه‌های تولید بدون دخالت نر، بیش از پیش متعدد و جسورانه شده است، و در بسیاری انواع، نر همچون عاملی اساساً بی‌فایده به نظر می‌رسد. از سویی، مفید بودن مبادله بین سلول‌ها، به فرض هم که از آن یاد شود، امری توجیه نشده به نظر می‌رسد. زیست‌شناسی، تقسیم جنس‌ها را قبول می‌کند، ولی به فرض هم که سرشار از اعتقاد به وجود هدف غائی باشد نمی‌تواند بر اساس ساخت سلولی و یا قوانین تکثیر سلولی یا هر گونه پدیده ابتدایی دیگر به این استنتاج دست یابد.

وجود سلول‌های جنسی^۱ مختلف الجنس، برای تعیین دو جنس مشخص از یکدیگر، کافی نیست؛ در حقیقت، غالباً پیش می‌آید که تفاوت‌های سلول مولد، جدائی نوع به دو گونه را در بر نداشته باشد؛ ممکن است هر دوی آن‌ها به یک موجود متعلق باشند. این همان مورد موجودات دو جنسی است که نمونه‌هایشان در میان نباتات فراوان دیده می‌شود، و در میان بسیاری از

بی‌آزم، خود را به معرض تماشا می‌گذارد و با لوندی تزویر آمیز، خود را به در می‌برد؛ و عالی‌ترین نوع جانوران وحشی، ماده ببر، ماده شیر، ماده پلنگ، بنده‌وار در زیر فشار شاهانه سر بر زمین می‌نهند. مرد، تمام موجودات ماده را در آن واحد به صورت بی‌حال، ناشکیبا، محیل، ابله، شهوتران، وحشی، خوار، در وجود زن طرح‌ریزی می‌کند. و واقعیت این است که زن موجودی ماده است. ولی هرگاه از اندیشیدن به نکات مبتذل انصراف حاصل شود، بی‌درنگ دو پرسش مطرح خواهد شد: در طبقه حیوانی، زن نمایشگر چیست؟ و در وجود زن چه نوع ویژه‌ای از ماده صورت می‌پذیرد؟

*نرها و ماده‌ها نمونه‌های دوگانه موجوداتی هستند که در بطن یک نوع، از نظر تولید با هم تفاوت پیدا می‌کنند؛ آن‌ها را فقط از طریق ارتباطی که با هم دارند می‌توان تعریف کرد. اما ابتدا باید خاطر نشان شود که خود معنای «تقسیم» انواع به دو جنس روشن نیست.

در طبیعت، این امر به‌طور کلی و همگانی تحقق نپذیرفته است. اگر بخواهیم فقط از حیوانات سخن بگوئیم، می‌دانیم که در میان تک سلولی‌ها، نظیر نمرویان، آمیب‌ها، باسیل‌ها و غیره، تکثیر امری متمایز از ویژگی جنسی است. سلول‌ها به تنهایی تقسیم می‌شوند و این تقسیم شده‌ها نیز مجدداً تقسیم می‌شوند. در برخی موجودات چند سلولی، تولید از طریق اسکیزوژنز، یعنی قطعه قطعه شدن موجودی که در اصل فاقد جنسیت است، یا از طریق پلاستوژنز، یعنی قطعه قطعه شدن موجودی که خود بر اثر پدیده‌ای جنسی تولید شده است، صورت می‌گیرد؛ پدیده‌های جوانه زدن و بند بند شدن که در شاخه‌ای از آبزیان، مرجان‌ها، اسفنج‌ها، کرم‌ها و... مشاهده می‌شود، نمونه‌های کاملاً شناخته شده این امرند. در پدیده‌های تکثیر و تولید بدون وجود نر، تخم بکر بدون دخالت نر به صورت نطفه رشد می‌کند؛ نر، در این میان هیچ سهمی ندارد یا نقشی فرعی و در درجه دوم اهمیت دارد. تخم‌های بارور نشده زنبور عسل دوباره تقسیم می‌شوند و زنبور عسل‌های نر به وجود می‌آورند؛ در میان شته‌ها، نرها در خلال یک سلسله نسل‌ها حضور ندارند و تخم‌هایی که بارور

۱- سلول‌های جنسی به سلول‌هایی اطلاق می‌شود که از ادغام آن‌ها تخم پدید می‌آید. (ن)